

خاقان اقلیم سخن

بررسی عناصر فرهنگ عامه
در قصاید خاقانی

دکتر محمدهبهنام فر
عضو هیأت علمی دانشگاه بیرجند

PIR	بهنام فر، محمد
۴۸۸۷	بررسی عناصر فرهنگ عامه در قصاید خاقانی / تألیف محمد
۴/۴	بهنام فر، ویراستاری ابراهیم محمدی - بیرجند: قهستان، ۱۳۸۹.
۹ب	۳۰۴ ص
	شابک. ۹۷۸-۶۰۰-۹۰-۲۵-۲-۸
	۱. خاقانی، بدیل بن علی. ۵۲۰-۵۹۵ ق. قصاید - نقد و تفسیر ۲
	خاقانی، بدیل بن علی. ۵۲۰-۵۹۵ ق. قصاید - فرهنگ عامه. ۳. شعر فارسی
	- قرن ۵ ق. الف. محمدی، ابراهیم، ویرایشگر، م. بنو
	مرکز اطلاع رسانی و کتابخانه مرکزی دانشگاه بیرجند ۸۹-۸۳۲



خاقان اقلیم سخن

دکتر محمد بهنام فر

انتشارات قهستان، معاونت پژوهشی دانشگاه بیرجند

ویراستار علمی: دکتر ابراهیم محمدی

طراحی جلد: عباس زاده

حروفچینی: میعاد چاپ: گلرو

چاپ اول ۱۳۸۹

تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه قیمت: ۶۲۰۰۰ ریال

همه حقوق چاپ و نشر این اثر برای ناشر محفوظ است

آدرس: بیرجند - خیابان شهدا - تلفن: ۲۲۳۳۹۶۵ - ۲۲۳۶۲۲۰

فاکس: ۲۲۳۶۳۳۰

پیش کش به روان پاک پدرم:

کو پدر که انده گساره بود پس آبروی کار من ، و بود پس
گرچه غم فرسوده دوران بدم تا ابد مرگش مرا فرسود پس

و تقدیم به همسر صبور و مهربان و فرزندان عزیزم :

سلمان ، احسان و رضا

www.ketab.ir

نیست اقلیم سخن را بهتر از من پادشا

در جهان ملک سخن راندن مسلم شد مرا

پادشاه نظم و نثرم در خراسان و عراق

که اهل دانش را زهر لفظ امتحان آورده ام

منصفان استاد دانندم که در معنی و لفظ

شیوه تازه نه رسم باستان آورده ام

فهرست مندرجات

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
۱۱	یادداشتها
۱۳	فصل اوّل - دانش عوام
۱۴	مقدمه
۱۶	بخش اوّل: نجوم
۳۸	یادداشتها
۴۳	بخش دوّم: طبّ عامیانه
۶۰	یادداشتها
۶۴	بخش سوم: جانور شناسی
۷۶	یادداشتها
۷۹	بخش چهارم: گیاه شناسی
۸۴	یادداشتها
۸۵	بخش پنجم: زمین شناسی و جغرافیا
۹۹	یادداشتها
۱۰۲	بخش ششم: سنگها، جواهرات، فلزات، رنگها، اکسید و کیمیا
۱۱۳	یادداشتها
۱۱۵	فصل دوم: آداب و رسوم
۱۱۶	مقدمه
۱۱۸	بخش اوّل: آداب مربوط به آبستنی، زایمان و نوزاد
۱۲۰	بخش دوّم: آداب عروسی
۱۲۲	بخش سوم: آداب مربوط به جشنها
۱۲۴	بخش چهارم: آداب و رسوم پادشاهی و خلافت
۱۲۷	بخش پنجم: آداب مکتب خانه

۱۲۹	بخش ششم: آداب نامه نگاری
۱۳۱	بخش هفتم: آداب سفر
۱۳۲	بخش هشتم: آداب و رسوم مربوط به مذاهب مختلف
۱۳۴	بخش نهم: اغذیه، اشربه، البسه، امکنه و عطریات
۱۴۳	بخش دهم: بازیها و سرگرمیها
۱۴۹	بخش یازدهم: شیوه آرایش
۱۵۲	بخش دوازدهم: آداب سوگواری
۱۵۳	بخش سیزدهم: آداب و رسوم متفرقه
۱۶۰	یادداشتها
۱۶۷	فصل سوم: باورها و پندارهای عوام
۱۶۸	مقدمه
۱۷۰	بخش اول: اعتقادات مربوط به ماوراء الطبیعه
۱۷۶	بخش دوم: اعتقادات مربوط به روزگار
۱۸۰	بخش سوم: سحر و جادو و خرافات
۱۸۹	بخش چهارم: موجودات خیالی
۱۹۷	بخش پنجم: اعتقادات مربوط به اساطیر ملی و مذهبی
۲۱۸	بخش ششم: پسندها و عواطف عامه
۲۲۵	یادداشتها
۲۳۴	فصل چهارم: عناصر مربوط به زبان عامه
۲۳۵	مقدمه
۲۳۹	بخش اول: لغات و ترکیبات
۲۵۵	بخش دوم: مثلها و تمثیلهای
۲۶۹	یادداشتها
۲۷۶	فهرست راهنما
۲۹۳	فهرست منابع و مآخذ

مقدمه

این تحقیق به «بررسی عناصر فرهنگ عامه در قصاید خاقانی» اختصاص دارد، اما قبل از ورود به بحث اصلی لازم است - هر چند کوتاه و گذرا - اشاره‌ای به معنی فرهنگ و عناصر فرهنگی داشته باشیم. «فرهنگ واژه‌ای است مرکب از دو جزء: فر (پیشاوند) + هنگ (از ریشه *thang* اوستایی به معنی کشیدن). فرهنگ و فرهیختن درست مطابق است در مفهوم با *educat* و *endure* لاتینی به معنی کشش و کشیدن و نیز به معنی آموزش و تعلیم و تربیت».^۱

در فرهنگها معانی مختلفی برای این واژه ارائه شده است، از جمله «فرهنگ» به شاخه درختی اطلاق می‌شده که در زمین خوابانده شده و از جایی دیگر سر برآورده باشد. همچنین به «کاریز» نیز فرهنگ می‌گفته‌اند.^۲ توجه به دو معنی اخیر که به طور ضمنی به دو مفهوم اساسی «ریشه» و «چشمه» اشاره دارد بیانگر تلفیق پیشینیان ما از واژه «فرهنگ» می‌باشد و نشان می‌دهد که گذشتگان از «فرهنگ» به عنوان ریشه زندگی و چشمه حیات یاد می‌کرده‌اند و در واقع در این گونه تلقیها مفاهیم عالی رویدن، بالیدن، جاری بودن و به اوج راه جستن را به وضوح می‌بینیم.^۳

در این که به قنات و کاریز «فرهنگ» گفته می‌شده، لطیفه‌ای بس زیبا و درخور توجه نهفته است، بدین معنی که فرهنگ در جوامع بشری حکم قنات در طبیعت مادی را دارد و همان‌طور که آب باعث حیات موجودات مادی است، فرهنگ نیز ماده حیات معنوی انسانها می‌باشد و به حرکات و سکنتات آنها در زندگی جهت می‌بخشد.^۴

علاوه بر آنچه گذشت «فرهنگ» به معنی علم و دانش و عقل و ادب و بزرگی و سنجیدگی نیز آمده است.^۵

در دوره‌های اخیر این واژه به گونه‌های مختلف تعریف شده است و هر دانشمندی با

توجه به تخصص و آگاهی از فرهنگ، تعریف خاصی از آن ارائه کرده است که از این میان، تعریف ادوارد تایلور - انسان‌شناس معروف انگلیسی - حائز اهمیت است. وی فرهنگ را چنین تعریف می‌کند: «فرهنگ یا تمدن مجموعه پیچیده‌ای است که در برگیرنده دانستنیها، اعتقادات، هنرها، اخلاقیات، قوانین، عادات و هر گونه توانایی دیگری است که به وسیله انسان به عنوان عضو جامعه کسب شده است».^۶

با توجه به این تعریف می‌توان گفت که: همه اعمال آدمیان به طور مستقیم یا غیر مستقیم از فرهنگ ناشی می‌شود و فرهنگ انسانی میراث کهنی است که در طی قرون و اعصار از نسلی به نسلی دیگر رسیده و توسعه و تحول یافته است و به عبارتی دیگر: فرهنگ عبارت است از مجموعه ارزشها و دستاوردهای مادی و معنوی که در طی تاریخ به وسیله انسان‌ها آفریده شده و شکل گرفته است.^۷

حال که تا حدی با مفهوم فرهنگ آشنا شدیم لازم است که به معرفی فرهنگ عامه نیز بپردازیم و ببینیم منظور از فرهنگ عامه چیست. فرهنگ عامه معادل اصطلاح فولکلور در زبانهای اروپایی است. فولکلور کلمه‌ای است مرکب از دو جزء Folk به معنی مردم، خلق، توده و lore به معنی دانش و معرفت.^۸ بر این اساس فولکلور در زبان فارسی به دانش عوام و فرهنگ عامه ترجمه شده که عبارت است از علمی که در باب آداب و سنن و فرهنگ عامه بحث می‌کند و به عبارتی دیگر، مجموعه آداب و رسوم و عقاید و عادات و افسانه‌ها و حکایات و امثال و ترانه‌ها و اشعار عامیانه را در بر می‌گیرد. در توضیح مطلب باید گفت: همانطور که در هر اجتماعی فرهنگ رسمی و مکتوب وجود دارد یک فرهنگ عامیانه هم هست که سینه به سینه از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود. فرهنگ عامیانه درست نقطه مقابل ادب و دانش رسمی و مکتوب است که به طور مدون در اختیار با سوادان قرار دارد^۹ و خلاصه به طور اجمال می‌توان گفت که: فولکلور آشنایی با پرورش معنوی اکثریت است در مقابل پرورش مردمان تحصیل کرده در میان یک ملت متمدن.^{۱۰}

البته نمی‌توان بین دو جنبه از فرهنگ رسمی و فرهنگ عامه یک جامعه مرز صریحی مشخص کرد زیرا بسیاری از باورها که روزی در زمره فرهنگ رسمی جامعه محسوب می‌شده‌اند - مانند اغلب باورهای نجومی و طبی قدیم - امروزه از مقوله فرهنگ عامه به شمار می‌آیند.^{۱۱} با توجه به همین مساله است که ملاک ما در این تحقیق برای تشخیص عامیانه بودن یا نبودن یک موضوع دیدگاه نسل امروز قرار گرفته است. نکته مهمی که درباره عقاید و اندیشه‌های عامه مردم وجود دارد این است که فرهنگ

عامه بر خلاف فرهنگ رسمی جامعه که در درون تارهایی که خود تنیده است محصور می‌ماند و به این جهت گرفتار رکود و خمودگی می‌شود، فرهنگی است بویا و در حال تحول و تکامل که همگام با جامعه متحول می‌شود و در جویبار زمان جریان دارد.^{۱۲}

از طرفی فرهنگ مردم به شخص یا گروهی خاص وابسته نیست و فرد خاصی نمی‌تواند خود را موجد و سازنده بخشی از پندار و کردار عامه بداند، بلکه فرهنگ عامه مجموعه تجربیات و تفکرات بشر در طی قرون و اعصار است که به صورت آداب و سنت‌های مرسوم یک جامعه به افراد آن، شخصیت و هویت و موجودیت می‌بخشد.^{۱۳}

با توجه به آنچه گذشت، تحقیق و پژوهش در باب «فرهنگ عامه» کاری است بایسته و در غرض تحسین و خدمتی است ارزنده به فرهنگ این مرز و بوم با مزایای بیشماری که در این جا به اختصار به برخی موارد اشاره می‌شود:

- فرهنگ عامه با شناساندن شخصیت و هویت ملی به افراد جامعه، آن‌ها را در برابر جلوه‌های پر زرق و برق تبلیغات فرهنگی بیگانگان مصونیت می‌بخشد. لذا اگر امروز خطر به اصطلاح «تهاجم فرهنگی»^{۱۴} جامعه ما را تهدید می‌کند یکی از راههای مبارزه با آن، تلاش در راه احیای فرهنگ عامه این سرزمین است.

- فرهنگ عامه پشتونه‌ای بسیار اسوار برای فرهنگ و ادب رسمی کشور به شمار می‌رود. فرهنگ رسمی موقعی می‌تواند از غنای لازم برخوردار باشد که تکیه بر فرهنگ عامه داشته باشد وگرنه تمام تکاپوی آن برای خلق آثار فوقی و هنری و ادبی بیهوده خواهد بود.^{۱۵}

- فرهنگ عامه هر ملتی در حکم شناسنامه آن ملت است. مردم نواحی مختلف هنگامی که با اخلاق و عادات و آداب و هنرها و افکار یکدیگر آشنا شوند، وحدت و یکپارچگی آنان بهتر تحقق می‌یابد، پس تلاش در این زمینه تلاشی است صحیح و منطقی در جهت ایجاد وحدت ملی.^{۱۶}

- چنان‌که می‌دانیم سرزمین ایران در طول تاریخ مانند کاروانسرای بوده است که همه قافله‌های بشر از مثل متمدن و وحشی کهن باستان مانند: کلدانی، آشوری، یونانی، رومی، یهودی، ترک، عرب و مغول، پی در پی در آن بار انداخته و با هم آمیزش داشته‌اند. از این رو کاوش و تحقیق درباره اعتقادات عوام، برخی از نکات تاریک فلسفی و تاریخی را برایمان روشن خواهد ساخت و پس از تحقیق و مقایسه این اعتقادات با همدیگر خواهیم توانست به ریشه و مبدأ آن‌ها پی ببریم.^{۱۷}

- از نظر جهانی فرهنگ عامه بهترین عاملی است که ملت‌ها را به هم پیوند می‌دهد و با

هم آشنا و نزدیک می‌سازد و آشنایی مردم جهان با یکدیگر می‌تواند موجب صلح و دوستی و نابودکننده کینه و دشمنی گردد.^{۱۸}

- تحقیق و بررسی در زمینه دانش عوام می‌تواند پایه بسیاری از تحقیقات علمی امروز قرار گیرد و بدین وسیله بشر را در پیشبرد علم و دانش یاری نماید.

- فرهنگ عامه از آن جهت که به بررسی معتقدات و اندیشه‌ها و گفتار مردم کوچه و بازار می‌پردازد، از نظر روانشناسی و جامعه‌شناسی اهمیت بسزایی دارد و تأمل در این باب می‌تواند کمک شایانی به علوم فوق نماید.^{۱۹}

البته ناگفته پیداست که آنچه از آن به «فرهنگ عامه» تعبیر می‌کنیم، سراسر مفید و منطقی نیست و نباید همگی آن‌ها را به عنوان عقاید و آداب و رسوم ملی ایرانی بپذیریم، بلکه باید با هشیاری کامل به نقد و تحلیل این عقاید بپردازیم، زیرا در یک تقسیم بندی کلی می‌توان عقاید و افکار عامه را بر دو نوع دانست: یکی افکار و عقایدی که به تجربه برای مردم عاقل و فهمیده و خوش نیت فراهم شده است و آنان نیز برای نشر این افکار، آداب و رسومی وضع کرده‌اند و افکار حکمیانه و دستورهای اخلاقی و اجتماعی خود را برای هدایت و تربیت مردم درافسانه‌ها و امثال و آداب و رسوم گنجاییده‌اند. دیگر اعتقادات و خرافاتی که بداندیشان و شکست‌خوردگان جامعه به عمد یا غیر عمد ساخته و در میان مردم رواج داده‌اند. ناگفته پیداست که باید سعی کرد عقاید غلط و زیان‌آور نظیر اعتقاد به سحر و جادو و طلسم و خرافات از ذهن مردم به طور کلی محو و نابود گردد (با توجه به اینکه ممکن است بسیاری از این عقاید خرافی، ارمغان ملل دیگر باشد که به فرهنگ این سرزمین راه یافته) و بر عکس عقاید و آداب و رسوم سود بخش نظیر: مراسم عید نوروز و ختنه سوران و شب چله و اشعار و حکایات و تمثیلات اخلاقی و سودمند، تقویت شود.^{۲۰}

ممکن است در ذهن عده‌ای این توهم ایجاد شود که جمع‌آوری مثنی اوهام و خرافات چه ربطی به پیشبرد فرهنگ عامه دارد و اصولاً آیا این کار باعث تبلیغ و گسترش این گونه باورها نمی‌گردد؟ در جواب باید گفت که: تا افکار خرافی به اسم اوهام و خرافات جداگانه تدوین نشود، بیگانگان، این عقاید سخیف و ناروا را جزو عادات ملی ما خواهند شمرد (چنان که تا کنون چنین بوده است).^{۲۱} پس وظیفه ماست که تا دیر نشده است خرافات و اوهام و پندارهای باطل را از عقاید ملی و آداب و رسوم پسندیده جامعه جدا کنیم و بدین ترتیب مقدمات رسوایی و نابودی کامل خرافات را فراهم سازیم.^{۲۲}

به هر جهت اگر قرار باشد در باب ارزش فرهنگ عامه بحث جامع و کاملی داشته باشیم به قول معروف «مثنوی هفتاد من کاغذ» خواهد شد که ما در اینجا چنین قصدی نداریم و آنچه گفتیم، مثنی بود از خروار و اندکی از بسیار، آن هم جهت ضرورت و آشنایی اجمالی با فرهنگ عامه و ارزش آن.

و اما حقیر که عشق به فرهنگ این مرز و بوم با رگ و پوستش عجین شده است، پس از مدتها فکر و مشورت با استادان صاحب نظر، در نهایت تصمیم گرفت که تحقیقی در این زمینه انجام دهد. از آن جا که نگارنده یکی از راههای رسیدن به این هدف را بررسی عناصر فرهنگ عامه در متون کهن می‌داند و معتقد است که پر ارزش‌ترین و قابل اعتمادترین و موثق‌ترین مواد و مطالب را در این باب از خلال دواوین شعرا می‌توان به دست آورد،^{۲۳} تصمیم گرفت که به بررسی عناصر فرهنگ عامه در دیوان یکی از شعرای نامدار و طراز اول که از این جهت قابل بررسی باشد، بپردازد. سرانجام دیوان خاقانی را برگزید، زیرا با شناختی که از این شاعر باریک اندیش و سحر آفرین داشت و به واسطه مطالعاتی که در اشعار این شاعر نامدار انجام داده بود، می‌دانست که وی از معدود شاعرانی است که دیوانشان پر از اصطلاحات علمی و تصاویر عینی از زندگی مردم و جامعه می‌باشد. در واقع دیوان او به منزله آینه‌ای است که می‌توان در آن به خوبی، سیمای جامعه ایرانی قرن ششم را مشاهده کرد.^{۲۴} بدیهی است این امر خود دلایلی دارد که در تذکرها و کتابهای تاریخ ادبیات بدان اشاره شده است.

خاقانی از شاعران آذربایجانی است و یکی از ویژگیهای سبک آذربایجانی انعکاس معلومات و معارف گویندگان در آثار آنهاست و نمایندگان این سبک عموماً افرادی آگاه و مطلع از علوم و فنون و حرف و صنایع متداول روزگار خویشند و به اظهار این دانسته‌ها در شعر ولعی تمام دارند.^{۲۵}

البته این امر طبیعی است زیرا خاقانی در عصری زندگی می‌کند که شاعری شرایط سنگین و دشواری دارد که یکی از این شرایط، احاطه شاعر بر علوم متداول روزگار و کاربرد آنها در شعر است.^{۲۶} زیرا اعتقاد بر این است که: شاعر باید «در انواع علوم متنوع باشد و در اطراف رسوم مستطرف، زیرا که چنان که شعر در هر علمی به کار می‌شود هر علمی در شعر به کار می‌شود...»^{۲۷}

خاقانی خود نیز به این موضوع در قصایدش اشاره کرده است از جمله آن جا که می‌گوید:

پادشاه نظم و نثرم در خراسان و عراق کامل دانش راز هر لفظ امتحان آورده‌ام
منصفان استاد دندم که در معنی و لفظ شیوه تازه نه رسم باستان آورده‌ام

دیوان: ۲۵۸

قابل ذکر است که استفاده خاقانی از عناصر فرهنگ عامه در شعر جنبه هنری دارد، یعنی تمام عناصر و اطلاعات مطرح شده در شعر او به منزله ابزاری است جهت بیان معنی و آفرینش هنری در شعر، که البته این امر خود حائز اهمیت است، به این معنی که نشان می‌دهد چگونه شاعران قوی دست ما فرهنگ عوام و خواص را به بهترین وجه تلفیق کرده‌اند و این درسی است برای ما تا با به کار گیری این روش در حفظ فرهنگ عامه بکوشیم و آثار ادبی را نیز غنی سازیم.

انگیزه دیگر من در انتخاب دیوان خاقانی آن بود که: می‌خواستم به عنوان مدرس درس خاقانی، گاهی هر چند کوتاه در جهت رفع دشواریهای شعری این شاعر «دیر آشنا» بردارم. شاعری که کثرت لغات و تعبیّرات تازه و غرابت بیان فضل فروشانه و مقرون با مصطلحات علمی و فنی، اشعار وی را مشکل و موقوف به شرح کرده است و این امور موجب گشته است که او شهرت و قبولی را که شایسته آن است در میان فارسی زبانان و دوستان زبان فارسی به دست نیآورد.

البته وارد شدن به چنین دریای موج و فروشانی از عهده چون منی ساخته نبود اما با تکیه به الطاف خداوندی - که همیشه بر سرم بوده است - و به امید دستگیری استادان صاحب نظر دل به دریا زدم و پای در راه گذاشتم و گفتم هر چه بادا باد. این تحقیق مشتمل بر یک مقدمه و چهار فصل به شرح زیر است:

فصل اول: دانش عوام (مشتمل بر شش بخش).

فصل دوم: آداب و رسوم (مشتمل بر سیزده بخش).

فصل سوم: باورها و پندارهای عوام (مشتمل بر شش بخش).

فصل چهارم: عناصر مربوط به زبان عامه (مشتمل بر دو بخش).

علاوه بر فهرست های مرسوم در کارهای تحقیقی، فهرست راهنمایی در پایان تحقیق تنظیم شده است تا دست یابی خوانندگان را به مندرجات کتاب و یافتن مطلب مورد نظر تسهیل نماید و سرعت بخشد.

در طی این مراحل، فراز و نشیبهایی بود که هر چند قبل از شروع کار تا حدی به آن وقوف داشتم و خود را برای مواجهه با آن آماده کرده بودم، اما وقتی قلم در دست گرفتم با دیدن پهنای کار، بارها احساس عجز و نومیدی کردم و اگر الطاف الهی و راهنماییهای

مؤثر و دلسوزانه برخی از صاحب نظران نبود، مستمماً هرگز موفق به انجام این کار نمی‌شدم.

به هر جهت در تألیف و تدوین این کتاب نکات بسیاری مورد توجه نگارنده بوده است که ذکر برخی از آنها ضروری به نظر می‌رسد:

نخست این که سعی بر این بوده است که اصول کار مبتنی بر طرح پیشنهادی استادان فن در مورد نحوه گردآوری، فولکلور، فرهنگ عامه، باشد، اما از آن جا که طرح پیشنهادی مناسب کار کسی است که بخواهد به تدوین فولکلور منطقه خاصی بپردازد، این تحقیق با تغییراتی متناسب با نوع کار (تحقیق در آثار شاعران) طرح ریزی شده است.

علاوه بر مقدمه اصلی، در ابتدای هر یک از فصول چهارگانه مقدمه‌ای ذکر شده که در آن، موضوع اهمیت موضوع و شیوه کار آن فصل بیان گردیده است. علاوه بر آن در ابتدای هر بخش نیز جهت مزید فایده چند سطر در معرفی مندرجات آن بخش آمده است.

برای آن که خدمتی هم به فرهنگ عامه شهر خودم (بیرجند) کرده باشم، در جای جای کتاب متناسب با موضوع مورد بحث به معرفی و توضیح برخی لغات و اصطلاحات و مثلها و آداب و رسوم و باورهای مردم بیرجند نیز پرداخته‌ام. برای آن که مطالب کتاب نشر یکنواختی داشته باشد سعی داشته‌ام تا نقل مطالب بیشتر به صورت غیر مستقیم باشد.

جهت مستند کردن مطالب، در بیشتر موارد، مطالب با ذکر مأخذ بیان شده است، مگر در مواردی معدود و نادر که بیت با صراحت، گویای مطلب بوده است.

در برخی موارد که مأخذی برای مطلب نیافته‌ام و در تکمیل و بررسی به نتیجه‌ای نرسیده‌ام، مطلب را با قید شک و تردید بیان نموده‌ام و یا در مقابل مطلب، علامت پرسش (؟) گذاشته‌ام.

در باره‌ای موارد که برای مطلبی، مضمونی مشابه، از دیگر آثار زبان فارسی به یاد داشته‌ام، آن را بیان نموده‌ام.

در تنظیم مواد جمع‌آوری شده در این تحقیق، همواره نوعی نظم رعایت شده که در بیشتر موارد این نظم مبتنی بر ترتیب تقابلی موضوعات بوده است.

در جای جای کتاب به نقد و تحلیل مواد نیز پرداخته شده و تنها به ذکر مطالب اکتفا نگردیده است و خلاصه سعی نگارنده بر آن بوده که مصداق سخن خاقانی (در باره شاعران حاسد) قرار نگیرد، آن جا که می‌گوید:

حدیث کوفیان تلقین گرفته به اسناد و به قلاقیل و عن عن

دیوان: ۳۱۹

در مطرح کردن مواد جمع‌آوری شده، ابتدا موضوع مورد نظر با ذکر مأخذ گفته شده و سپس بیت یا ابیاتی از قصاید خاقانی که ناظر به آن مطلب بوده به عنوان شاهد در ذیل آن ذکر گردیده است.

در مواردی که برای مطلبی، شواهد متعددی در دست بوده، به بیان یک، تا سه مورد اکتفا شده و جهت رعایت اختصار از ذکر دیگر شواهد به عمد خودداری گردیده است. البته در مواردی که شواهد نسبتاً کمتر بوده به آنها ارجاع داده شده است. ارجاع به ابیات نیز به صورت سطر، صفحه مشخص گردیده، مثلاً: ۲۵۰/۳، یعنی صفحه دویست و پنجاه، سطر سوم.

ذیل هر بیت از قصاید خاقانی که مورد استشهاد قرار گرفته است، در مقابل کلمه «دیوان» عددی مشاهده می‌شود که مربوط به شماره صفحه بر اساس دیوان خاقانی، تصحیح دکتر سید ضیاءالدین سجادی می‌باشد.

از آن جا که موضوعات این کتاب در بسیاری از موارد با هم تداخل داشته است جهت پرهیز از تکرار، جایی که موضوع بار اصلی را داشته است، مطلب به طور کامل ذکر گردیده و در موارد دیگر به آن ارجاع داده شده است، مثلاً از بیت:

قرصه شمس شود قرصه ریوند از لطف

بهر تفتنه گران کافت گرما بینند

دیوان: ۹۷

چنین مستفاد می‌شود که: در قدیم از ریوند برای رفع گرمازدگی استفاده می‌کرده‌اند. در این جا مطلب در بخش طب ذیل «گرمازدگی» مطرح شده و در بخش گیاه شناسی ذیل «ریوند» به مورد اول ارجاع داده شده است.

در مورد عناوینی که دو نام داشته‌اند، مطلب، ذیل نامی که مشهورتر بوده بیان گردیده و ذیل نام دیگر به عنوان مشهورتر ارجاع داده شده است، مثلاً در مورد «سیمرغ و عنقا» مطلب، ذیل «سیمرغ» توضیح و ذیل «عنقا» به صورت زیر ارجاع داده شده است:

عنقا ← سیمرغ.

گاهی نیز بعضی از موضوعات مطرح شده در یک بخش به ضرورت دو بار ذکر گردیده است، در این موارد نیز در نوبت اول، مطلب توضیح داده شده و در نوبت دوم به مورد اول ارجاع داده شده است، مثلاً بیت:

زاده طبع متد اینها که خصمان منند آری آری گریه هست از عطسه شیرزبان

دیوان: ۳۲۸

گویای این باور است که قدما گریه را نتیجه «عطسه شیر» می دانسته اند. در اینجا مطلب در بخش جانور شناسی ذیل «شیر» توضیح و در ذیل «گریه» به مورد اول ارجاع داده شده است.

در ذکر شواهد فقط به بیت مورد نظر استناد شده و اگر بینی با ایات دیگر موقوف المعانی بوده است از ذکر سایر ایات خودداری گردیده، مگر این که مجموع ایات مورد استشهاد بوده است.

در فصل اول که بخشهای آن طولانی است، یادداشتهای در پایان هر بخش به طور جداگانه ذکر گردیده اما در فصول بعدی که بخشها تا حدی کوتاه تر است، یادداشتهای بخشهای مختلف به ترتیب در پایان هر فصل آمده است.

با توجه به آنچه در روش کار بیان شد، این کتاب علاوه بر این که کوششی است در جهت شناخت و احیای فرهنگ عامه این سرزمین - که ذکر فواید آن گذشت - مزایای دیگری نیز در بردارد که اهم آنها به شرح زیر است.

۱- کمک به فهم بهتر و کاملتر اشعار خاقانی و در نهایت متون ادبی کهن، بویژه شاعران معاصر خاقانی.

۲- معرفی و توضیح برخی لغات و اصطلاحات و آداب و رسوم بیرجنی که این امر خود گامی مفید در جهت شناساندن فرهنگ عامه این منطقه می باشد.

۳- معرفی مراجع و منابع کار که با توجه به گستردگی و تنوع موضوعات این رساله، مسأله کتاب شناسی در این نوشته حائز اهمیت است.

به هر جهت، قلم زدن در باره اثری چون دیوان خاقانی کاری است بس دشوار و خطیر، زیرا زبان عالمانه خاقانی و استفاده گسترده او از دانشهای رایج روزگار همراه با ترکیبات بدیع و تخیلات قوی شاعرانه، شعر او را به گونه ای در آورده است که در واقع ادیبی تیز هوش، شاعری باریک اندیش، منجمی صاحب نظر و طبیعی حاذق و خلاصه دانشمندی آگاه در همه زمینه ها چون شخص خاقانی لازم است تا بتواند شعر او را بفهمد

و تحلیل کند و پر واضح است که راقم این سطور با قلت بضاعت علمی که در خود سراغ دارد هرگز نتوانسته است حق مطلب را آن چنان که بایسته و شایسته است ادا کند، ضمن این که عدم دسترسی به کتابخانه‌های غنی و بزرگ، مزید بر علت بوده است. اما به هر حال مفتخر است که در حلدّ توان خویش کوشیده تا بتواند خدمتی ناچیز به جامعه فرهنگ و ادب ایران تقدیم دارد، تا چه قبول افتد و چه در نظر آید.

در پایان بر خود فرض می‌دانم از همه دانشمندان و صاحب نظرانی که مرا به نحوی در تدوین این تحقیق یاری نموده‌اند تشکر و قدردانی نمایم. مخصوصاً از استادان بزرگوار و فرزانه جناب آقای دکتر محمد رضا راشد محصل و جناب آقای دکتر محمد مهدی ناصح که حق بزرگی به گردن من دارند و نه تنها در طی این تحقیق از ارشادات و راهنمایی‌های ارزشمند ایشان بهره‌مند شده‌ام، بلکه همواره خوان علم و معرفت آنها به رویم گشوده بوده و بزرگترین حامی و مشوق من در طول زندگیم بوده‌اند، بی نهایت سپاسگزارم.

از دوست فاضل و جوانم جناب آقای دکتر ابراهیم محمدی که با دقت و حوصله، متن را بازخوانی و ویرایش نموده اند و همچنین سرکار خانم زهرا بیدختی که غلط گیری تایپی این کتاب را انجام داده اند، کمال سپاس و تشکر را دارم.

همچنین از مدیر محترم و فرهنگ دوست انتشارات قهستان، جناب آقای چاجی که این کتاب به همت والای ایشان به زیور طبع آراسته می‌گردد تشکر می‌کنم و برایشان در طی راهی که در پیش گرفته‌اند، آرزوی توفیق دارم.

و من الله التوفیق

محمد بهنام فر

یادداشتها

- ۱ - محمد حسین بن خلف تبریزی، برهان قاطع، به اهتمام محمد معین، انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۶۲، پاورقی ذیل «فرهنگ».
- ۲ - همان، ذیل «فرهنگ».
- ۳ - حسینعلی بیهقی، پژوهش و بررسی فرهنگ عامه ایران، چاپ دوم، مشهد، ۱۳۶۷، انتشارات آستان قدس رضوی، ص ۹.
- ۴ - جهت تفصیل مطلب ر.ک: محمد مهدی ناصح، «فرهنگ قنات، بررسی موانع و عوامل پیشرفتهای فرهنگی و آموزشی سیستان و بلوچستان و جنوب خراسان، مجتمع آموزش عالی بیرجند، ۱۳۶۶، ص ۳۹ به بعد.
- ۵ - محمد حسین بن خلف تبریزی، برهان قاطع.
- ۶ - حسینعلی بیهقی، پژوهش و بررسی فرهنگ عامه ایران، ص ۱۱.
- ۷ - همان، ص ۱۴.
- ۸ - ابراهیم شکورزاده، عقاید و رسوم مردم خراسان، چاپ دوم، انتشارات سروش، تهران، ۱۳۶۳، پاورقی ص ۱۷.
- ۹ - کیوان شمیرانی، راهنما برای کندوکاو در فرهنگ مردم و حفظ و اشاعه آن، مرکز فرهنگ مردم صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۱، ص ۹.
- ۱۰ - صادق هدایت، نوشته‌های پراکنده، انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۳۴، ص ۴۴۸.
- ۱۱ - محمود خلیقی، «فرهنگ عامه»، مجله فرهنگ و زندگی، شماره ۲۵ و ۲۶، ص ۲۳.
- ۱۲ - حسینعلی بیهقی، پژوهش و بررسی فرهنگ عامه ایران، ص ۲۱.
- ۱۳ - همان، ص ۲۱ به بعد.
- ۱۴ - باید توجه داشت که جامعه ایرانی با فرهنگ غنی و کهنسال خود از جانب هیچ فرهنگی تهدید نمی‌شود و اگر امروز خطری احساس می‌شود خطر بیگانگی، فرهنگ خودی و به اصطلاح «از خود بیگانگی» است و این خطر در واقع از ناحیه فساد غرب است نه فرهنگ غرب آن هم برای کسانی که با فرهنگ ملی و اسلامی ایران بیگانه‌اند.
- ۱۵ - محمود خلیقی، «فرهنگ عامه»، ص ۲۷.
- ۱۶ - سید ابوالقاسم انجوی (د. نجوا)، فرهنگ مردم، چاپخانه وزارت اطلاعات، تهران، ۱۳۴۷، ص ۴.
- ۱۷ - صادق هدایت، نیرنگستان، چاپ چهارم، کتابهای پرستو، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۴۴، ص ۹.
- ۱۸ - سید ابوالقاسم انجوی، فرهنگ مردم، ص ۴.
- ۱۹ - هانری ماسه، معتقدات و آداب ایرانی، ترجمه مهدی روشن ضمیر، انتشارات مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران، تبریز، ۱۳۵۵، پیش‌گفتار، ص ۱ و پنج.
- ۲۰ - ابراهیم شکورزاده، عقاید و رسوم مردم خراسان، ص ۱۹ به بعد.

- ۲۱ - به عنوان نمونه ر.ک: هاتری ماسه، معتقدات و آداب ایرانی.
- ۲۲ - صادق هدایت، نیرنگستان، ص ۲۴ به بعد.
- ۲۳ - ر.ک: ابوالفضل مصفی، فرهنگ اصطلاحات نجومی، چاپ دوم، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران، ۱۳۶۶، دیباچه، ص «هفت».
- ۲۴ - جهت توضیح بیشتر ر.ک: میر جلال الدین کزازی، رخسار صبیح، نشر مرکز تهران، ۱۳۶۸، ص ۲۰۰.
- ۲۵ - ر.ک: معصومه معدن کن، بزم دیرینه عروس، مرکز نشر دانشگاهی تهران، ۱۳۷۲، ص ۱۴.
- ۲۶ - ر.ک: ذبیح‌الله صفا، مختصری در تاریخ تحول نظم و نشر پارسی، چاپ چهارم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۶۳، ص ۵۸.
- ۲۷ - نظامی عروضی سمرقندی، چهار مقاله، به اهتمام محمد معین، چاپ هشتم، انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۶۴، ص ۴۷.
- ۲۸ - ولادیمیر منورسکی، شرح قصیده ترسانیه خاقانی، ترجمه عبدالحسین زرین کوب، انتشارات سروش، تبریز، ۱۳۴۸، مقدمه مترجم، ص ۵ به بعد.